

بررسی جایگاه ایزدبانو آشی در باورهای ایران باستان

نغمه حسینی^۱

دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات

چکیده

این مقاله به بررسی جایگاه اشی (Aši) در اندیشه‌ها و باورهای ایران باستان می‌پردازد. اشی را باید ایزدی پیش زردشتی دانست. او مینوی پاداش در دین کهن آریایی است. نام او هم در گاهان - کهن‌ترین بخش اوستا - و هم در اوستای متأخر آمده است، با این تفاوت که در گاهان، اشی بیشتر به عنوان مفهوم انتزاعی به کار رفته است و بر مفاهیمی چون سهم و قسمت دلالت می‌کند، حال آنکه در اوستای متأخر او ایزدبانوی فراوانی و برکت است و به یارانش، جلال، شکوه و نیک‌بختی می‌بخشد. نام اشی در نوشته‌های پارسی میانه به صورت «ارد» و «ارت» و با صفت و نگوهی (vanuhī) به معنای نیک، به صورت‌های «ارشونگ» و «ارشونگ» و «اششونگ» آمده است. به نظر می‌رسد آیین ستایش اشی زمانی در شرق و غرب ایران رواج داشته است.

کلیدواژه‌ها: آشی، ایزدبانو، گاهان، یشت، اوستای متأخر.

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱/۱۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۳/۲۳

Email: n_hosseini1360@yahoo.com

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری نویسنده است. استاد راهنما: دکتر محسن ابوالقاسمی / استاد مشاور: دکتر زهره زرشناس.

مقدمه

در اساطیر ایران باستان ایزدان فراوانی وجود دارند. برخی از این ایزدان آشکارا متعلق به دین کهن آریایی هستند. بدین معنا که پیش از ظهور زردشت نیز جنبه‌ خدایی داشته‌اند. در مقابل، درباره‌ اصل برخی دیگر نمی‌توان به یقین اظهار نظر کرد. گروهی از ایزدان، نماد پدیده‌های طبیعی هستند، همچون ایزد تیشتر که نماد باران است. برخی مفاهیم انتزاعی هستند که شخصیت یافته‌اند مانند ایزد بهرام که نماد پیروزی است. بعضی دیگر به آیین‌های دینی مربوطند همچون ایزد آتش. زردشت در دین خود این ایزدان را نادیده گرفت و از آنان سخنی نراند چرا که او جز اهورامزدا هیچ خدایی را به عنوان خالق و نگاه‌دارنده‌ عالم به رسمیت نمی‌شناخت. پس از زردشت اندیشه‌ها و اعتقادات کهن ایرانیان بار دیگر به آیین زردشتی راه یافتند. بدین ترتیب ایزدان دیرین ایرانی که ظاهراً مطرود زردشت بودند از نو به دین راه یافتند و دوباره به اریکه قدرت تکیه زدند. یکی از ایزدانی که به صورت مادینه تصور شده است، آشی^۱ نام دارد. از نظر ریشه‌شناسی، آشی اسم معنای اوستایی^(۱) موشی است مشتق از ریشه ar- به همراه پسوند -ti- از صورت ایرانی باستان-artai*. درباره‌ معنای ریشه ar- میان اوستاشناسان اتفاق نظر وجود ندارد. بارتولومه^۲ برای این ریشه معنای «بخشیدن و عطا کردن» را پیشنهاد کرده است (Bartholomae 1976:241). بیلی^۳ واژه اشی را از صورت ایرانی باستان tri* مشتق و آن را از ریشه ar- به معنای «به‌دست آوردن» مأخوذ می‌داند. (Baily 1971:4) کلنز^۴ به ریشه ar- به معنای «به حرکت در آوردن» اندیشیده است (Kellens 1999:457) و بالاخره اینسلر^۵ معنای «سزاوار بودن» را برای این ریشه پیشنهاد کرده است (Insler 1975:131). بر خلاف بسیاری از ایزدان،

1. Aši

2. Brtholomae

3. Baily

4. Kellens

5. Insler

س ۶-ش ۱۸- بهار ۸۹ ————— بررسی جایگاه ایزدبانو آشی در باورهای ایران باستان / ۶۷

زردشت در گاهان^(۲) از اشی سخن رانده است. البته باید توجه داشت که آشی در گاهان بیشتر به عنوان مفهومی انتزاعی به کار رفته است و بر مفاهیمی چون سهم، قسمت و مُزد دلالت دارد. در اوستای متاخر آشی دیگر بار شخصیت می‌یابد و به ایزدبانوی فراوانی و نیک‌بختی تبدیل می‌گردد و در یشت^(۳) نسبتاً بزرگی به نام «اردیشت»^۱ مورد ستایش و نیایش قرار می‌گیرد. آشی غالباً با صفت و نگوهی^۲ همراه است به معنای «نیک». این صفت در متون پارسی میانه به واژه آشی می‌پیوندد و به صورت‌های اهرشونگ^۳، ارششونگ^۴ و اششونگ^۵ به جای می‌ماند. در گاه‌شماری زردشتی بیست و پنجمین روز ماه موسوم است به آشی یعنی که پاسبانی این روز به عهده اوست. در یسن ۱۶ بند ۱۶ نیز آشی در ردیف ایزدان سی روز ماه یاد شده است. (پورداوود ۱۳۷۷: ۱۸۲)

برای آشی معادل همنامی در وداها^(۴) نمی‌توان یافت. اما برخی چون دو مزیل^۶ و ویدن گرن^۷ او را با بهاگا^۸ مقایسه کرده‌اند. بهاگا به معنی نصیب یا بهره است. مراد بهره و نصیب از خوبی‌ها و برکت‌های دنیا است (بویس ۱۳۷۶: ۷۶). بهاگا یعنی کسی که نعمت و فراوانی ارزانی می‌دارد و در ریگ‌ودا، گاهی به معنی دارایی و بخت، گاهی به معنی بخش‌کننده^۹ و گاهی به معنی بخشنده^{۱۰} آمده است. (شایگان ۱۳۸۳: ۷۶). ویدن گرن بر این باور است که در وداها^{۱۱} ایزد میتره^{۱۲} را دو ایزد به نام‌های اریامن^{۱۳} «حامی آریاییان» و بهاگا «سرنوشت که تقسیم‌کننده بخت است»، احاطه کرده‌اند و در مهر یشت، میتره^{۱۴} را سرئوشه^{۱۵} و آشی^{۱۶} احاطه کرده‌اند که با همراهان میتره هندی مطابقت دارند. (ویدن گرن ۱۳۷۷: ۳۴)

1. Ard yašt	2. vaṇuhī	3. Ahrišvang
4. Aršišvang	5. Ašišvang	6. Dumezil
7. Widengren	8. Bhaga-	9. Vidhartā
10. Vibhaktā	11. Vedas	12. Mitra
13. Aryaman	14. Miēra	15. Sraoša
16. Aši		

نریوسنگ^۱ دانشمند معروف پارسیان که در اواخر قرن دوازدهم میلادی به سر می‌برده در تفسیر سنسکریت یسن ۱ بند ۱۴ اشی را معادل لکشمی^۲ دانسته است. (پورداوود ۱۳۷۷: ۱۸۰). لکشمی ایزدبانوی خوشبختی هندو، تجسم عشق، زیبایی، باروری و ثروت است. نگاره‌های او را در هنر هندو در میان نیلوفرها نشان می‌دهند، با جامه‌ای به رنگ سرخ فرخنده و آراسته به گوهرها و آرایش شهبانویی. او غالباً به پرستندگان پول یا برکات دیگری می‌بخشد (هینلز ۱۳۸۶: ۵۵۸). در وداها ایزدبانوان فراوانی و برکت دیگری نیز وجود دارند همچون دهیشنا^۳ و راکا^۴، با این وجود نمی‌توان با اطمینان کامل یکی از این ایزدان را به‌عنوان همتای اشی برگزید. آنچه مسلم است این است که اندیشه ایزدی که پاداش‌دهنده و تقسیم‌کننده ثروت و نیک‌بختی باشد در تفکر هند و ایرانی وجود داشته است و اشی موجودیتی بر آمده از این اندیشه است.

در راستای شناخت بهتر اشی، این مقاله نخست به بررسی مفهوم اشی در اندیشه‌های پیش زردشتی می‌پردازد. سپس نگرشی بر کاربرد و نقش اشی در گاهان، اوستای متاخر و نوشته‌های پارسی میانه خواهد داشت. سرانجام می‌کوشد تا با معرفی سکه‌های پارسی، سکایی و کوشانی که تصویر اشی بر آنها حک شده است برگسترش آیین او تأکید کند.

۱- اشی در اندیشه‌های پیش زردشتی

برای یافتن جایگاه اشی در اندیشه‌های پیش زردشتی باید نخست به بررسی نحوه تفکر و شیوه فکری هند و ایرانیان بپردازیم. به اعتقاد پروفیسور بویس^۵، بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین شیوه فکری هند و ایرانیان، انیماتیسم^۶ یا زنده‌گرایی است. بدین معنا که آنان به وجود نیرویی فرضی و با شعور در هر پدیده‌ای حتی

1. Neryosang

2. Lakṣmi

3. Dhiṣaṇā

4. Rākā

5. Boyce

6. animatism

س ۶-ش ۱۸- بهار ۸۹ ————— بررسی جایگاه ایزدبانو آشی در باورهای ایران باستان / ۶۹
در ناچیزترین جلوه‌گری آن معتقد بودند و آن را مینو^۱ می‌خواندند. آنان نه تنها
برای پدیده‌های دیدنی و ملموس بلکه برای آنچه نادیدنی و غیر ملموس بود نیز
مینویی را متصور بودند. همچون مینوی آشتی، مینوی پیمان و مینوی رنج. آنان
کیفیات و عواطف را نیز صاحب مینو می‌پنداشتند. مانند مینوی دلاوری، مینوی
نشاط، مینوی رشک و همانند اینها. نه اینکه اینها را چون مجردات و یا
بخش‌هایی از ساختار روانی خود انسان متصور باشند، بلکه آنها را نیروهای
مستقل و فعالی می‌پنداشتند که آدمی می‌توانست به آنها التماس کند تا همراهش
شوند. (بویس ۱۳۷۷: ۸۰-۸۱)

اکنون این پرسش مطرح است که در میان این مینوان آشی بر چه مفهومی
دلالت داشت و مینوی کدام کیفیت بود؟ با در نظر گرفتن ریشه‌شناسی واژه،
آشی را باید مینوی پاداش دانست. باید توجه داشت که در دوره کافرکیشی پیش
از زردشت آشی تهی از جنبه اخلاقی است. در این دوره آشی نماینده آن‌گونه
سعادت و رفاه است که هر فرد نیک‌بخت و خوش‌اقبال می‌تواند به دست آورد
(بویس ۱۳۷۶: ۸۵). از این رو، آشی را باید ایزدبانوی بخت و اقبال نیز دانست. در
همین دوران است که او به عنوان ایزدبانوی بخت لقب «گنجور» را کسب می‌کند.
(همان: ۸۳)، لقبی که زردشت برای او استفاده می‌کند «دارایی بخشنده» است (اوستا،
یسن ۴۳ بند ۱۲). این صفت آشکارا اصل کافری را ثابت می‌کند. اما در گات‌های
اوستا^(۵) اخلاقی اسم عام آشی مفهوم پاداش برای نیکی و کیفر برای بدی را
می‌رساند. ایزدبانو نیز تجسم پاداش و سزای به حق است و نه بخت و اقبال
هوسناک. در ادبیات زردشتی از او به عنوان آشی نیک^۲ یاد می‌شود تا با مفهوم
غیراخلاقی مشابه کافری تفاوت گذاشته شده باشد. (بویس ۱۳۷۶: ۳۰۷)

1. mainyu-

2. Aši vañuhī

۲- آشی در گاهان

نام آشی نوزده بار در گاهان به کار رفته است. با بررسی کاربرد واژه آشی در گاهان می‌توان به این نتیجه رسید که این واژه، مفهومی فراتر از پاداش را منعکس می‌کند. در واقع آشی در گاهان به معنای آن چیزی است که بر مبنای عمل فرد نصیب او می‌شود، به‌ویژه در داوری واپسین (Bartholomae 1976:241). بنابراین، آشی عبارتست از سهم، قسمت و آنچه بخش می‌شود، خوب یا بد:

«همانا تو را تهم و سپند خواهم اندیشید ای مزدا زمانی که تو با آن دست آن آشی‌هایی را (= سهم‌هایی را) می‌گیری که به دُروند(بدکار) و نیز پرهیزگار خواهی داد، از طریق گرمای از راستی نیرومند آشتت، هنگامی که برتری اندیشه نیک به من برسد.» (اوستا، یسن ۴۳، بند ۴)

یا

«همانا تو را سپند تشخیص می‌دهم ای اهورای دانا زمانی که تو را در زایش هستی نخستین می‌بینم، درحالی که کارها و نیز سخنان را مُزدمند تعیین می‌کنی، بدی را برای بد، آشی(=سهم) خوب را برای خوب، بنابر فضیلت در گردش نهایی آفرینش.» (اوستا، یسن ۴۳، بند ۵)

بنابراین، آشی در گاهان هم نمایانگر پاداشی است که به پرهیزگاران تعلق می‌گیرد و هم پادافراهی(کیفر) که نصیب دروندان خواهد شد. در نتیجه دقیق‌ترین معنا برای این لغت چنان‌که هومباخ^۱ و دومزیل دریافته‌اند، بخش و سهم است. هومباخ پیوسته لفظ Anteil به معنی «سهم» را به کار می‌برد و دومزیل آن را در معنی معادل ودایی بهاگا یعنی part (سهم و بخش) (کلنز ۱۳۸۶: ۱۸). آشی در حقیقت به کردار انسان بستگی دارد و هر فردی می‌تواند با اراده خویش بر او

1. Humbach

نکته دیگر اینکه گرچه در بسیاری موارد در واژه آشی معنایی انتزاعی مندرج است، اما گاهی این مفهوم انتزاعی به مرتبه ذات موجود ارتقاء می‌یابد (همان: ۱۷). این امر در یسن ۳۱، بند ۴ به روشنی دیده می‌شود، آنجا که می‌خوانیم:

«هنگامی که راستی خواندنی، مزدا و نیز اهوراهای دیگر باشند همراه با آشی، آرمیتی^(۶) و اندیشه نیک باشد که بخواهم برای خویش شهریاری نیرومند را تا با بالش آن دروغ را چیره شویم.»

همچنین در یسن ۴۳، بند ۱۲ واژه آشی هم به صورت اسم مجرد به کار رفته است و هم به صورت نام ایزدی که نماینده پاداش و سزاست:

و زمانی که به من می‌گویی: با بیش به راستی می‌رسی، آن‌گاه تو به من فرمان می‌دهی که نباید نافرمان شوم. بگذار برخیزم پیش از آنکه سهم خوب فرمانبرداری به من برسد همراه با آشی دارایی‌بخشنده که آشی‌ها را (=سهم‌ها) بنابر میزان در تعیین سود تقسیم خواهد کرد.
(پورداد ۱۳۷۷: ۱۸۱)

۳- آشی در اوستای متأخر

پس از زردشت، و شاید در همان زمان او، بسیاری از عقاید قدیم ایرانی و هند و ایرانی که در نیایش‌ها و آیین‌های دینی خدایان قدیم منعکس بود، همراه با اسطوره‌ها و افسانه‌های این خدایان یا آیین‌های دینی پیش از زردشت با عقاید پیامبر درآمیخت و از آن متون اوستایی متأخر حاصل شد (تفضلی ۱۳۷۶: ۳۹). یشت‌ها بخشی از اوستای متأخر را تشکیل می‌دهند، یشت‌های کهن هر چند از نظر زبان متأخرتر از گاهان هستند، ولی عقاید و باورهایی را می‌نمایانند که به دوران کهن‌تر از گاهان تعلق دارد. یشت هفدهم - اردیشت - که یکی از کهن‌ترین یشتهاست، در ستایش آشی سروده شده است. درباره تاریخ تألیف این یشت

نمی‌توان به قطعیت اظهار نظر کرد. کریستن سن^۱ پس از بررسی و تحلیل مطالب یشت‌های بزرگ به این نتیجه رسیده است که اردیشت در دوره هخامنشیان و احتمالاً قرن چهارم پ.م تدوین شده است. (کریستن سن ۱۳۸۲: ۸۴)

در این یشت آشی شخصیت می‌یابد و به ایزدبانوی فراوانی، برکت، بخت و اقبال تبدیل می‌شود. او ایزدبانویی زیبا، خوش‌اندام، سودبخش، دارای قدرت درمان و خردمند است و بر گردونه‌ای پر سر و صدا سوار است. آشی در این یشت دورنمایی اسطوره‌ای دارد:

پدرت اهورامزدا، بزرگ‌ترین ایزدان، بهترین ایزدان، مادر، سپتا آرمیتی، برادر، سروش^(۷) به اهلامی، نیز رشن^(۸) بلند نیرومند و مهر^(۹) فراخ چراگاه ده هزار چشم هزار گوش، خواهرت دین^(۱۰) مزدیسنی. (بند ۱۶)

او به یاران، همراهان و پرستندگان ثروت، نعمت، جلال و شکوه می‌بخشد. این جلال و شکوه در بندهای ۳-۱۴ به زیبایی توصیف شده است. در بندهای ۲۳-۵۲ فهرستی از نام پهلوانان را می‌بینیم که از برای این ایزدبانو قربانی می‌کنند و از او آیفتی (=موهبتی) می‌طلبند. این فهرست در یشت‌های دیگر همچون آبان یشت، تیریشت، زامیادیششت و... به چشم می‌خورد. هوشنگ پیشدادی، جمشید، فریدون، هوم پهلوان و خسرو از جمله پهلوانان اساطیری هستند که برای ایزدبانو آشی قربانی می‌کنند و از او یاری می‌جویند. آشی ستایش این پهلوانان را می‌پذیرد و به یاری آنان می‌شتابد.

آشی ایزدبانوی باروری نیز به شمار می‌آید، از این رو مردان عقیم، زنان ناپاک، پسران نابرنا و دختران شوی ناکرده در آیین او جایی ندارند و نباید در مراسم وی شرکت جویند. او بر زنان نفوذ دارد و زنانی که آشی یارشان باشد، سفید بختند. (آموزگار ۱۳۸۶: ۳۰)

س ۶- ش ۱۸- بهار ۸۹ ————— بررسی جایگاه ایزدبانو آشی در باورهای ایران باستان / ۷۳
در اردیشت آمده است هنگامی که تورانیان آشی را تعقیب می‌کردند، او خود را یک‌بار زیر پای گاو و بار دیگر زیر گردن قوچی پنهان کرد، اما پسران نابرنا و دوشیزگان شوی نکرده جای او را نشان دادند^(۱۱). (اوستا، اردیشت، بندهای ۵۷-۵۹)
در پایان یشت هفدهم بر اصول اخلاقی و ارزش بنیان خانواده تأکید می‌شود، آنجا که آشی از سه گروه نزد اهورامزدا گله می‌کند: نخست از زنان ناپاکی که باردار نمی‌شوند، دوم از زنان ناپاکی که به همسر خویش خیانت می‌کنند و سوم از مردان ستمگری که دختران را می‌ربایند و آنان را باردار و سپس رها می‌کنند.

۴- یاران و همراهان آشی

آشی با ایزد مهر در ارتباط است. دربارهٔ چگونگی این ارتباط می‌پندارند در آغاز به عنوان ایزدبانوی بخت و اقبال می‌بایست از ملتزمین رکاب ایزد جنگ - میثره- بوده باشد. کومون^۱ بر این باور است که وی همان فرشتهٔ اقبالی است که در پیکره‌های میتراپی دیده می‌شود (بویس ۱۳۷۶: ۸۴). در مهریشت- یشت دهم اوستا- آشی با مهر می‌پیوندد و ارابه‌ران او می‌شود. او دستیار مهر است و در توزیع ثروت تخصص دارد. در بند دوم اردیشت چنین آمده است:
«آنکه آشی را با زوهرها^(۱۲) ستایش کند، او مهر را با زوهرها ستایش خواهد کرد.»

از سویی دیگر آشی با سروش^۲ (فرمانبرداری) از زمان گاهان در ارتباط است. در گاهان سروش به اتفاق بهمن^۳ (اندیشه نیک) به سوی پرهیزکاران می‌آید و به هنگام پاداش و پادافراه به همراه آشی است. یکی از صفات سروش -ašiuuant- است یعنی «دارای آشی» چرا که فرمانبرداری از اهورامزدا پاداش نیک را در پی خواهد داشت. فرمانبرداری و کردار خوب نتیجهٔ اندیشه نیک است و بنابراین، آشی، سروش و بهمن در بسیاری از متنها با یکدیگر در ارتباطند

1. Comont

2. Sraoša

3. Vohumanah

(Skjaervo1987:750). صفت دیگر سروش - ašīia است یعنی «با آشی پیوسته». این صفت نیز بر ارتباط این دو ایزد تأکید می‌کند. در یشت هفدهم سروش برادر آشی خوانده شده است.

از دیگر یاران و همراهان ایزد آشی پारندی^۱ است. پारندی و آشی غالباً با هم نامیده شده‌اند و وظیفه آنان نزدیک به یکدیگر است. پारندی نیز همچون آشی گاهی اسم مجرد است به معنای پُری، فراوانی و نعمت و گاهی اسم خاص ایزدبانویی است که نگهبانی گنج و ثروت با اوست.

۵ - آشی در نوشته‌های پارسی میانه

نام آشی در متون پارسی میانه به صورت‌های ارت^۲ و ارد^۳ و به همراه صفتش ونگوهی^۴، به صورت‌های ارششونگ^۵، اهرشونگ^۶، ارشونگ^۷ و اششونگ^۸ به جا مانده است. در بُندَهش^(۱۳) آمده است: «ارد به همراه آبان، مارسپند، دین و اناهید به یاری و همکاری سپندارمذ که آفریده مینوی اورمزد است، می‌پردازند» (دادگی ۱۳۸۵: ۴۹). در جایی دیگر از همین متن می‌خوانیم: «ارد مینوی پرهیزگاری و بهستی بودن است. باشد که او را اهرشونگ نیکو، باشد که اششونگ خواند. افزایش فرّه خانمان از اوست. زیرا هرچه به شایستگان دهند توسط او، به افزون، باز به آن خانه رسد. نگهبانی گنج نیکوان را کند. همان گونه که بهشت را نیز نگهبانی کند که خانه ماندی است گوهر نشان» (همان: ۱۱۵). در برگردان پهلوی یسن ۶۰، بند ۴، آشی چنین تفسیر شده است:

«tuvānīgīh az frārōnīh» یعنی توانگری که از درستکاری و پارسایی است.

(پور داوود ۱۳۷۷: ۱۷۹)

1. Pārendi

2. Art

3. Ard

4. Vaṇuhī

5. Aršīšvang

6. Ahrišvang

7. Aršvang

8. Ašīšvang

س ۶- ش ۱۸- بهار ۸۹ ————— بررسی جایگاه ایزدبانو آشی در باورهای ایران باستان / ۷۵
در متون مانوی ایزدبانو آشی به صورت Bay-ard ظاهر می‌شود. بغ آرد
نگاهبان مرز خراسان است: (hwr's'n wymndb'n). در متون سغدی نام آشی
به صورت 'rdk و در خوارزمی به صورت 'rjwky آمده است، (یعنی art sūxī).
این دو شکل آخر برگرفته از صورت *Rti-wahwi هستند. (Skjaervo1987:751)

۶- آشی در مستندات تاریخی

آشی ایزدبانویی است که در طول تاریخ کمتر مورد توجه قرار گرفته است.
تاکنون در هیچ سنگ‌نبشته‌ای نام آشی یافت نشده است. تصویری از او بر نقش
برجسته‌ها کنده‌کاری نشده و پرستشگاهی وقف او نشده است. شاید بتوان علت
این امر را در محبوبیت و شهرت فراوان ایزدبانو آناهیتا-الهه آب و باروری-
جست‌وجو کرد که دیگر ایزدبانوان را تحت الشعاع خود قرار داده بود. آشی به
تدریج در برابر شهرت آناهیتا رنگ می‌بازد و به سختی بیرون از محیط روحانی
شناخته می‌شود.

در نوشته‌های مورخان یونانی، تنها در روایت پلو تارخ^۱ از دین ایرانی، آنجا
که او از ایزد «آفریننده خواسته» سخن می‌راند، رد پایی از آشی می‌یابیم. (بنویست
۱۳۷۷: ۵۶)

در دوره پارتی و از زمان سلطنت مهرداد اول، پادشاهان به پیروی از سنت
هلنی تصاویر ایزدان را بر سکه‌ها نقش می‌زدند. یکی از این تصاویر از آن
ایزدبانویی به نام نیکه^۲ (۱۴) است که بنا بر نظر مری بویس نمایانگر آشی است،
همان‌گونه که زئوس^۳، آپولو^۴، دمتر^۵ نمایانگر اهورامزدا، میترا و سپنتا آرمئیتی
هستند. (بویس ۱۳۸۶: ۱۱۱). مهرداد اول، فرهاد دوم و فرهاد سوم از جمله
پادشاهانی بودند که نقش نیکه را بر سکه‌های خود ضرب کردند.

1. Ploùtarxos

2. Nike

3. Zeus

4. Apollo

5. Demeter

در سکه‌های سکایی در کنار ایزدانی چون واد^۱، مزد^۲ و میرو^۳ تصویر ایزدبانویی را می‌بینیم که ردایی پوشیده و شاخ بزی به نشانه فراوانی در دست دارد. نامش به صورت اردوخش^۴ آمده است و به یقین با ایزدبانوی اوستایی بخت، آشی ونگوهی تطبیق می‌کند. همچنین در کاوش‌های فرانسویان در افغانستان مجسمه کوچکی از ایزدبانویی نشسته بر تخت به دست آمده است که احتمالاً تندیس آیینی است. برخی این تندیس را از آن اردوخش می‌دانند. (ویدن گرن ۱۳۷۷: ۴۶) گفته می‌شود که آشی ونگوهی همراه با میتره نزد کوشانیان از محبوبیت بسیار برخوردار بوده است. (دوشن گیمن ۱۳۸۵: ۲۵۹). روی یک سکه کوشانی تصویر زنی دیده می‌شود که زیر آن به یونانی Ardoxsho نوشته شده است. برخی او را همان آشی - اُخشو^۵، مینوی تقدیر یا مینوی پاداش دانسته‌اند. (هینلز ۱۳۷۹: ۷۳)

وجود این سکه‌ها نشان می‌دهد که ایزدبانو آشی زمانی در خاور از اهمیت خاصی برخوردار بوده است تا جایی که پادشاهان تصویر او را بر سکه‌های خود نقش زده‌اند.

آیین این ایزدبانو در باختر ایران نیز رواج داشته است و نام چند تن از آزادگان ایرانی مانند Artimas, Artibarzanes و Artibole شاهد این مدعاست^(۱۵). (بنونیست ۱۳۷۷: ۱۱۲)

نتیجه

آنچه گذشت کوششی بود برای نمایاندن جایگاه آشی در باورهای ایران باستان. این بررسی نشان می‌دهد که آشی را باید ایزدی پیش زردشتی و مینوی پاداش، در دین

1. Vād

2. Mazd

3. Miro

4. Ardvaxš

5. Ashi-oxsho

س ۶- ش ۱۸- بهار ۸۹ ————— بررسی جایگاه ایزدبانو آشی در باورهای ایران باستان / ۷۷

کهن آریایی دانست. در دوره کافرکیشی پیش از زردشت، اشی به هیچ روی نمایانگر مفهومی اخلاقی نیست، در حالی که در گاهان این واژه منعکس کننده مفاهیم عمیق اخلاقی است. آشی در گاهان بیشتر به صورت اسم مجرد به کار رفته است و گاهی مراد از آن همان ایزد دارایی بخش است. یشت هفدهم اوستا یکسره در ستایش او سروده شده است. در این یشت او به عنوان ایزدبانویی زیبا، خوش اندام، سودبخش، درمانگر و دوراندهش تصویر شده است که جلال و شکوه دینداران و نیکبختی زنان از پرتو اوست. نام او در متون پارسی میانه، مانوی، سغدی و خوارزمی آمده و تصویر او بر سکه های پارتی، سکایی و کوشانی نقش بسته است. وجود این آثار ثابت می کند که آیین ستایش اشی در زمان های کهن در مناطق شرقی ایران رواج داشته است.

پی نوشت

- (۱) زبانی که کتاب دینی زردشتیان بدان نوشته شده است اوستایی نامیده می شود. به جز کتاب *اوستا* و آثار وابسته به آن هیچ اثر دیگری از این زبان در دست نیست. زبان اوستایی زبانی است متعلق به دوره باستان زبان های ایرانی. امروزه بیشتر دانشمندان این زبان را به نواحی آسیای میانه متعلق می دانند.
- (۲) مطالبی که به عنوان کتاب *اوستا* عرضه شده است دارای زبانی یکدست نیست. برخی از بخش ها سبکی کهنه تر دارد و از نظر دستوری دارای زبانی است که با قواعد دستوری صحیح *اوستا* بیشتر مطابقت دارد. در برخی بخش ها قواعد دستوری چندان مراعات نشده است. از این نظر، *اوستا* به دو بخش اوستای کهن یا اوستای گاهانی و اوستای متأخر یا جدید تقسیم می شود.
- (۳) واژه یشت در زبان فارسی بازمانده واژه اوستایی *yaštay* است که «پرستش و ستایش ایزدان با خواندن دعاها و برگزار کردن مراسم قربانی» معنی می دهد. یشت ها در اصطلاح نام بخشی از کتاب *اوستاست* و به مجموعه سرودهایی اطلاق می شود که در بزرگداشت و ستایش ایزدان کهن ایرانی سروده شده است. یشت هفدهم که در وصف ایزدبانو اشی سروده شده است «اردیشت» نام دارد.

- (۴) وداها کهن‌ترین اثر هندی به زبان سنسکریت است و خود چهار کتاب را شامل می‌شود: ریگ ودا (Rigveda)، یاجورودا (Yajurveda)، سامه‌ودا (Samaveda) و اثروه ودا (Atharvaveda)
- (۵) متون گاهانی شامل گاهان (یا چنان‌که در فارسی مصطلح شده گات‌ها یا گاتاها)، یسن هفت‌ها و چهار دعای مذکور در یسن ۲۷ است. گات‌ها سروده خود زردشت و دربردارنده مفاهیم اخلاقی و آموزه‌های بنیادین دین زردشتی است.
- (۶) آرمئیتی، سپنتا آرمئیتی یا سپندارمذ به معنی اخلاص و بردباری مقدس است. او دختر اهورامزدا و ایزدبانوی زمین است.
- (۷) واژه سروش تحت‌اللفظی به معنای فرمانبرداری است. او از ایزدان بزرگ زردشتی است که وظیفه اصلی‌اش مراقبت از نظم جهان مادی است.
- (۸) رشن ایزدی است که قضاوت اعمال مردم در آن جهان با اوست. وی در بندهش با صفت «بدون خواب» توصیف شده است.
- (۹) مهر ایزدی است که وظیفه اصلی‌اش نظارت بر پیمان‌هاست. مهر، سروش و رشن به منزله سه قاضی‌اند که اعمال مردمان را پس از مرگ می‌سنجند.
- (۱۰) دین ایزدبانویی است که مظهر وجدان است و به آدمیان نیرو می‌دهد که راه اهورایی را برگزینند.
- (۱۱) این اسطوره در هیچ کجای *اوستا* و متون پهلوی نیامده است. گرچه معنای دقیق آن مشخص نیست، اما به گونه‌ای بر تنفر ایزدبانو اشی از پسران نابرنا و دختران شوی‌نکرده تأکید می‌کند.
- (۱۲) دونوع زوهر (Zōhr) وجود دارد؛ یکی «آتش زوهر» و دیگری «آب زوهر». آتش زوهر عبارت است از پیه دمبه گوسفند که در موارد خاص به آتش مقدس تقدیم می‌کنند. «آب زوهر» نیز مخلوطی است از شیر و شیره گیاه هوم که در مراسم یسنه به آب تقدیم می‌شود.
- (۱۳) *بنا‌هش* کتابی است به زبان پارسی میانه که تاریخ اساطیری و واقعی ایرانیان را از دوره پیشدادیان تا رسیدن تازیان دربردارد.

س ۶-ش ۱۸- بهار ۸۹ ————— بررسی جایگاه ایزدبانو آشی در باورهای ایران باستان / ۷۹
(۱۴) نیکه در یونان ایزدبانوی پیروزی است. او را به صورت موجودی بالدار تصویر
می‌کنند.
(۱۵) نام این آزادگان ایرانی در کتاب‌های تاریخی آمده است و همگی متعلق به ایران
غربی‌اند.

کتابنامه

- آموزگار، ژاله. ۱۳۸۶. *تاریخ اساطیری ایران*. چ ۹. تهران: سمت.
بنونیست، امیل. ۱۳۷۷. *دین ایرانی بر پایه متن‌های معتبر یونانی*. ترجمه بهمن
سرکاراتی. چ ۳. تهران: قطره.
بویس، مری. ۱۳۸۶. *زردشتیان، باورها و آداب دینی آنها*. ترجمه عسکر بهرامی. چ ۹.
تهران: ققنوس.
—————. ۱۳۷۶. *تاریخ کیش زردشت*. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. ج ۱. چ ۱. تهران:
توس.
—————. ۱۳۷۷. *چکیده تاریخ کیش زردشت*. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. چ ۱.
تهران: صفی‌علیشاه.
بهار، مهرداد. ۱۳۸۱. *پژوهشی در اساطیر ایران*. چ ۴. تهران: آگاه.
پور داوود، ابراهیم. ۱۳۷۷. *یشت‌ها*. ج ۲. چ ۱. تهران: اساطیر.
تفضلی، احمد. ۱۳۷۶. *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. چ ۳. تهران: سخن.
دادگی، فرنخ. ۱۳۸۵. *بندهش*. گزارنده مهرداد بهار. چ ۳. تهران: توس.
دوشن گیمن، ژ. ۱۳۸۵. *دین ایران باستان*. ترجمه رویا منجم. چ ۲. تهران: علم.
شایگان، داریوش. ۱۳۸۳. *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*. چ ۱. تهران: امیرکبیر.
کریستن سن، آرتور. ۱۳۸۲. *مزدپیروستی در ایران قدیم*. ترجمه ذبیح‌الله صفا. چ ۵. تهران:
هیرمند.

- ۸۰ / فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی _____ نغمه حسینی
- کلنز، ژان. ۱۳۸۶. مقالاتی درباره زردشت و دین زردشتی. ترجمه حمیدرضا قائم مقامی. چ ۱. تهران: فرزاد.
- ویدن گرن، گنو. ۱۳۷۷. دین‌های ایران. ترجمه دکتر منوچهر فرهنگ. چ ۱. تهران: آگاهان ایده.
- هینلز، جان. ۱۳۷۹. شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. چ ۶. تهران: چشمه.
- _____ . ۱۳۸۶. فرهنگ ادیان جهان. چ ۱. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

منابع انگلیسی

- Baily, H.W. 1971. *Zoroastrian Problems in the Nith-Century Books*. Oxford: clarendon press.
- Bartholomae, C. 1976. *Altriranisches wortebuch*. Berlin: Walter de Gruyter & co.
- Humbach, Helmut. 1994. *the heritage of zarathashtra*. Heidel Berg: pallani chaporia.
- Inslar, S. 1975. *The Gathas of Zarathustra*. Acta Iranica (8. Leiden: E. J. Brill.)
- Kellens, Jean. 1999. "Aši ou le Grand Départ". *Journal Asiatique*. 287. 2. Paris.
- Skjaervo, P.O. & Schlerath, Bernfried. 1987. "Aši". *Encyclopaedia Iranica*. vol II. London.

